



## Examination of Processes Leading to Divorce Due to Infidelity in Virtual Spaces: A Qualitative Approach

Zahra Pakmanesh<sup>1</sup>, Rahmatullah Amir Ahmadi<sup>2\*</sup>, Sedigheh Aminian<sup>3</sup>

(Receipt: 2024.05.27 - Acceptance: 2024.09.24)

### Abstract

The proliferation of information technology and the increasing penetration of virtual spaces into daily life have significantly transformed interpersonal relationships, particularly marital relationships. Social networks and online platforms, as new arenas for social interaction, have provided numerous opportunities for communication. However, these developments have also been accompanied by challenges and questions. One such challenge is the impact of cyberspace on marital relationships and the rising divorce rates. This qualitative study, using thematic analysis, aimed to investigate the processes leading to divorce caused by cyber infidelity. The study population consisted of couples in Mashhad on the verge of divorce who had sought pre-marital counseling. A purposive sampling method was employed, and data was collected through in-depth interviews. Sampling continued until theoretical saturation was reached. The findings, obtained from a three-stage coding process, revealed that excessive use of social media led to decreased trust, increased jealousy, and emotional detachment in marital relationships. The results revealed that divorce stemming from online interactions is a complex, multi-stage process involving grief, adaptation, and the use of defense mechanisms. Participants in this study experienced symptoms of grief, such as attachment to the past relationship and difficulty accepting reality. In the adaptation stage, attempts to save the relationship, making the decision to divorce, and building a support network were the most significant challenges. Additionally, many participants resorted to defense mechanisms like denial and suppression to cope with the pain and suffering caused by divorce. The findings of this study suggest that online platforms, by facilitating anonymous connections, constant comparison, and decreased face-to-face interactions, play a significant role in both facilitating and exacerbating the divorce process.

**Keywords:** divorce, divorce processes, cyberspace, couples in Mashhad

---

\*. This article is taken from the doctoral thesis of "Zahra Pak Manesh" with the title "Evaluation of the impact of the virtual world on the divorce of young couples (a study of the lived experience of couples on the verge of divorce referring to counseling centers in Mashhad)" under the guidance of "Dr. Rahmatullah Amir Ahmadi", and the consultation of "Dr. Siddiq Aminian" has been extracted.

1.PhD student in sociology, majoring in Iranian social issues, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran. Zpakmanesh@yahoo.com

2.Assistant Professor, Department of Sociology, Azadshahr Branch, Azad Islamic University, Azadshahr, Iran. (Responsible author): amirahmadi569@yahoo.com

3.Assistant Professor, Department of Sociology, Azadshahr Branch, Azad Islamic University, Azadshahr, Iran. samin.5445@gmail.com



## بررسی فرایندهای منجر به طلاق ناشی از خیانت در فضای مجازی با رویکرد کیفی

زهرا پاک منش<sup>۱</sup>، رحمت اله امیر احمدی<sup>۲\*</sup>، صدیقه امینیان<sup>۳</sup>

(دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷ - پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳)

### چکیده

با گسترش روزافزون فناوری اطلاعات و نفوذ فضای مجازی در زندگی روزمره افراد، روابط بین فردی به ویژه روابط زناشویی دستخوش تحولات چشمگیری شده است. شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های آنلاین به عنوان فضایی جدید برای تعاملات اجتماعی، فرصت‌های بسیاری را برای ارتباطات فراهم آورده‌اند. با این حال، این تحولات همواره با چالش‌ها و سوالاتی همراه بوده است. یکی از این چالش‌ها، تاثیر فضای مجازی بر روابط زناشویی و افزایش نرخ طلاق است. مقاله پیش رو با هدف بررسی فرایندهای منجر به طلاق ناشی از خیانت در فضای مجازی و با استفاده از رویکرد کیفی و روش تحلیل تماتیک انجام شده است، جامعه آماری زوجین مشهودی در آستانه طلاق و نمونه شامل ۲۰ زوج مشهودی در آستانه طلاق بوده‌اند که به مراکز مشاوره پیش از ازدواج مراجعه کرده‌اند، روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری هدفمند و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه عمیق بوده است. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته است. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها در سه مرحله کدگذاری نشان داد که استفاده بیش از حد از شبکه‌های اجتماعی منجر به کاهش اعتماد، افزایش حسادت و جدایی عاطفی در روابط زناشویی می‌شود. نتایج نشان داد که طلاق ناشی از فضای مجازی، فرایندی پیچیده و چند مرحله‌ای شامل سوگ، سازگاری و استفاده از مکانیسم‌های دفاعی است. شرکت‌کنندگان در این پژوهش، علائم سوگ مانند دل‌بستگی به گذشته رابطه و مشکل در پذیرش واقعیت را تجربه کردند. در مرحله سازگاری، تلاش برای حفظ رابطه، تصمیم‌گیری برای طلاق و ایجاد شبکه حمایتی از مهم‌ترین چالش‌ها بود. همچنین، بسیاری از شرکت‌کنندگان برای مقابله با درد و رنج ناشی از طلاق، از مکانیسم‌های دفاعی مانند انکار و سرکوب استفاده کردند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فضای مجازی با ایجاد امکان ارتباطات ناشناس، مقایسه مداوم و کاهش تعاملات رو در رو، نقش مهمی در تسهیل و تشدید فرایند طلاق ایفا می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** طلاق، فرایند های منجر به طلاق، فضای مجازی، زوجین مشهودی.

\* این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری «زهرا پاک منش» با عنوان «بررسی تاثیر زیست جهان فضای مجازی بر طلاق زوجین جوان (مطالعه تجربه زیسته زوجین در آستانه طلاق مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر مشهد)» است که به راهنمایی «دکتر رحمت اله امیر احمدی»، و مشاورهٔ «دکتر صدیقه امینیان»، استخراج شده است.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گرایش مسائل اجتماعی ایران، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.

Zpakmanesh@yahoo.com

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران. (نویسندهٔ مسئول): amirahmadi569@yahoo.com

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران. samin.5445@gmail.com

## مقدمه

فضای مجازی به عنوان یک انقلاب ارتباطی، به طور عمیقی بر ساختارها و روابط اجتماعی تأثیر گذاشته است. روابط زناشویی نیز از این قاعده مستثنی نیست. در حالی که این فضا فرصت‌های بی‌نظیری برای ارتباط، تعامل و دسترسی به اطلاعات فراهم می‌کند، اما استفاده نادرست از آن می‌تواند به تهدیدی جدی برای پایداری روابط زناشویی تبدیل شود. فضای مجازی به عنوان یک پدیده اجتماعی نوظهور، به طور عمیقی بر ابعاد مختلف زندگی انسان، از جمله روابط زناشویی، تأثیر گذاشته است. اگرچه این فضا مزایای متعددی را به همراه داشته است، اما شواهد نشان می‌دهند که استفاده بیش از حد و نامناسب از آن می‌تواند به روابط زوجین آسیب جدی وارد کرده و حتی به طلاق منجر شود. این امر به‌ویژه در جوامعی که به لحاظ اجتماعی در حال توسعه هستند، نگران‌کننده است؛ چراکه آسیب‌های اجتماعی مانند طلاق، به عنوان یکی از موانع اصلی توسعه پایدار شناخته می‌شوند.

در دو دهه اخیر، شاهد تحولات چشمگیری در نحوه تعاملات اجتماعی بوده‌ایم. گسترش سریع رسانه‌های اجتماعی، بستر مناسبی را برای تبادل اطلاعات، ایده‌ها و فرهنگ‌ها فراهم کرده است. از یک سو، این رسانه‌ها می‌توانند به تقویت انسجام اجتماعی و ترویج ارزش‌های سنتی کمک کنند؛ از سوی دیگر، ممکن است به تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی منجر شده و روابط بین فردی را تحت تأثیر قرار دهند.

اهمیت نهاد خانواده بر هیچ کس پوشیده نیست. خانواده به عنوان عنصر سازنده جامعه همواره و برای همه جوامع دارای جایگاه خاص و ارزش ویژه بوده است، خانواده بنیادی‌ترین و مقدس‌ترین نظام اجتماعی هر جامعه‌ای است که عموماً هسته‌ای حمایتی - عاطفی و مورد اعتماد افراد و محافظتی قوی در مقابل فشارها، اضطراب‌ها و خشونت‌های خارج آنان محسوب می‌شود. خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. با این حال، تغییرات گسترده فرهنگی و اجتماعی، از جمله نفوذ روزافزون فضای مجازی، بر پایداری خانواده‌ها تأثیر گذاشته است. طلاق به عنوان یکی از نشانه‌های این تغییرات، در بسیاری از جوامع، از جمله ایران، رو به افزایش است.

خیانت در فضای مجازی، به عنوان یک پدیده نوظهور، به طور فزاینده‌ای به یکی از عوامل اصلی فروپاشی خانواده‌ها تبدیل شده است. اگرچه خیانت در طول تاریخ همواره وجود داشته است، اما ظهور فضای مجازی ابعاد جدیدی به این پدیده بخشیده است. در دنیای مجازی، امکان ایجاد هویت‌های کاذب، پنهان‌کاری آسان‌تر و دسترسی به تعداد بی‌شماری از افراد، شرایط را برای خیانت تسهیل کرده است. گسترش بی‌حد و حصر شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های ارتباطی مجازی، فضایی

را فراهم آورده که در آن مرزهای ارتباطی به سادگی شکسته شده و افراد به راحتی می‌توانند روابط عاطفی پنهانی را تجربه کنند. این در حالی است که خیانت در دنیای واقعی اغلب با عواقب ملموس تری همراه است و افراد به طور مستقیم با پیامدهای اعمال خود روبرو می‌شوند. اما در فضای مجازی، خیانت می‌تواند به صورت پنهانی ادامه یابد و تا زمانی که افشا نشود، آسیب‌های جدی به روابط زناشویی وارد کند. این پدیده، نه تنها به اعتماد متزلزل شده در روابط زناشویی دامن می‌زند، بلکه می‌تواند منجر به آسیب‌های روانشناختی عمیقی همچون احساس گناه، شرمساری و افسردگی در افراد درگیر شود. همچنین، تبعات اجتماعی این مسئله، از جمله افزایش آمار طلاق و آسیب به بنیان خانواده، به معضلی جدی در جوامع امروزی تبدیل شده است.

خیانت در فضای مجازی به عنوان یک معضل اجتماعی پیچیده، ریشه در تحولات سریع فرهنگی، اجتماعی و تکنولوژیکی جوامع مدرن دارد. گسترش بی‌رویه شبکه‌های اجتماعی و سهولت برقراری ارتباطات مجازی، الگوهای ارتباطی را متحول کرده و فرصت‌های بی‌شماری را برای ایجاد روابط خارج از چارچوب ازدواج فراهم آورده است. تضعیف نهاد خانواده، افزایش فردگرایی و تغییر تعریف روابط، نیز بر این پدیده دامن زده است. دسترسی آسان به فناوری اطلاعات و امکان ایجاد هویت‌های کاذب، شرایط را برای خیانت تسهیل کرده و به تبع آن، اعتماد اجتماعی را تضعیف کرده، نرخ طلاق را افزایش داده و سلامت روان افراد را به خطر انداخته است. این پدیده، نگرش‌ها نسبت به ازدواج و تعهدات زناشویی را نیز دستخوش تغییر کرده و چالش‌های جدی را برای روابط انسانی و ساختار خانواده ایجاد نموده است.

با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش با هدف بررسی تأثیر فضای مجازی بر فرایند طلاق در زوجین مشهودی انجام شده است. با استفاده از رویکرد کیفی و مطالعه عمیق تجربیات زوجین، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه خیانت در فضای مجازی می‌تواند به طلاق منجر شود.

افزایش نگران‌کننده نرخ طلاق ناشی از خیانت در فضای مجازی در این شهر، ضرورت انجام یک پژوهش عمیق و جامع را بیش از پیش آشکار می‌سازد. این افزایش، نشان‌دهنده وجود یک مسئله اجتماعی پیچیده و چند وجهی است که نیازمند بررسی دقیق و ارائه راهکارهای مناسب می‌باشد. شهر مشهد به عنوان یک شهر مذهبی و زیارتی، دارای بافت فرهنگی و اجتماعی منحصر به فردی است که می‌تواند بر شیوع و شکل‌گیری خیانت در فضای مجازی تأثیرگذار باشد. بررسی این تأثیرات، می‌تواند به درک بهتر این پدیده در سایر شهرها با بافت‌های فرهنگی متفاوت نیز کمک کند. وجود جمعیت بالا و تنوع اجتماعی در شهر مشهد، امکان دسترسی به یک نمونه آماری متنوع را

فراهم آورده است. با توجه به اینکه شهر مشهد به عنوان یک شهر زیارتی، میزبان زائران زیادی از سراسر کشور است، این پژوهش می‌تواند به بررسی تأثیر مهاجرت و تنوع فرهنگی بر شیوع این پدیده نیز بپردازد. این مسئله می‌تواند به شناخت بهتر عوامل مؤثر بر خیانت در فضای مجازی در جوامع چند فرهنگی کمک کند. همچنین وجود مراکز مشاوره پیش از طلاق در شهر مشهد، دسترسی به منابع داده‌ای غنی و تخصصی را فراهم آورده است. علاوه بر تسهیل فرآیند جمع‌آوری داده‌ها، به اعتباربخشی به نتایج پژوهش نیز کمک شایانی خواهد کرد.

### اهمیت این پژوهش

- بافت فرهنگی و اجتماعی خاص: شهر مشهد به عنوان یک شهر مذهبی و زیارتی، دارای بافت فرهنگی و اجتماعی منحصر به فردی است که می‌تواند بر شیوع و شکل‌گیری خیانت در فضای مجازی تأثیرگذار باشد. بررسی این تأثیرات، می‌تواند به درک بهتر این پدیده در سایر شهرهای با بافت‌های فرهنگی متفاوت نیز کمک کند.
- درک عمیق‌تر از فرایند طلاق: با بررسی تجربیات فردی زوجین، می‌توان به درک بهتری از عوامل مؤثر بر طلاق ناشی از خیانت در فضای مجازی دست یافت.
- شناسایی راهکارهای پیشگیری: نتایج این پژوهش می‌تواند در طراحی برنامه‌های مداخله‌ای برای پیشگیری و کاهش طلاق مؤثر باشد.
- توسعه دانش نظری: این پژوهش می‌تواند به غنی‌سازی دانش نظری در حوزه ارتباطات، خانواده و آسیب‌های اجتماعی کمک کند.

با توجه به افزایش روزافزون نفوذ فضای مجازی در زندگی افراد، انجام پژوهش‌هایی در این زمینه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این پژوهش با تمرکز بر تجربه زوجین مشهدی، می‌تواند به درک عمیق‌تری از چگونگی تأثیر فضای مجازی بر روابط زناشویی و کمک کند.

از این روی سوال اساسی این پژوهش چنین صورت بندی شده است: چگونه فضای مجازی بر فرایند طلاق زوجین مشهدی تأثیر می‌گذارد؟

با پاسخ به این قسم سوالات، می‌توان به درک جامع‌تری از چالش‌های پیش روی خانواده‌ها در عصر دیجیتال دست یافت و راهکارهای مناسبی برای مقابله با آن‌ها ارائه داد.

## رویکردهای نظری

وضعیت خانواده، چگونگی روابط بین اعضای خانواده و انحلال و فروپاشی آن از یک سو بازتاب شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است و از سوی دیگر معلول عوامل درونی خانواده (سطح خرد) و کیفیت و چگونگی آن می باشد. به دلیل خصلت چند بعدی پدیده طلاق و تکثر نظریه ها و رویکردهای متعدد تبیین کننده، چارچوب نظری انتخابی این نوشتار، رویکردی جامعه شناختی دارد و چند نظریه جهت تبیین فضای کنونی جامعه ایران و تاثیر فضای مجازی بر پدیده طلاق طرح می گردد.

### نظریه ساختارگرایی:

نظریه ساختارگرایی معتقد است که ساختارهای اجتماعی، مانند هنجارها، ارزش ها و قوانین، نقشی اساسی در شکل دهی به روابط زناشویی و طلاق دارند. فضای مجازی به عنوان یک ساختار اجتماعی جدید، می تواند هنجارها و ارزش های جدیدی را به جامعه معرفی کند که با هنجارها و ارزش های سنتی در مورد روابط زناشویی در تضاد باشد. این تضاد می تواند به تنش و درگیری در روابط زناشویی و در نهایت طلاق منجر شود (ذکایی، ۱۳۸۷). بر اساس این نظریه می توان گزاره های ذیل را مطرح نمود:

- فردگرایی: فضای مجازی می تواند به فردگرایی و تمرکز بر خود دامن بزند. این امر می تواند به تضعیف تعهد و مسئولیت در روابط زناشویی منجر شود.
- سیالیت: فضای مجازی می تواند به سیالیت و عدم ثبات در روابط دامن بزند. این امر می تواند به خیانت و طلاق منجر شود.
- ظاهرگرایی: فضای مجازی می تواند به ظاهرگرایی و مقایسه خود با دیگران دامن بزند. این امر می تواند به حسادت و نارضایتی در روابط زناشویی منجر شود.
- عدم قطعیت: فضای مجازی می تواند به عدم قطعیت و اضطراب در مورد آینده دامن بزند. این امر می تواند به تنش و درگیری در روابط زناشویی منجر شود.

همچنین می توان به چند نمونه از تضادهایی که بین هنجارها و ارزش های سنتی و جدید در مورد روابط زناشویی وجود دارد اشاره نمود:

- تعهد در مقابل فردگرایی: هنجارهای سنتی بر تعهد و وفاداری در روابط زناشویی تاکید می کنند، در حالی که فضای مجازی می تواند به فردگرایی و تمرکز بر خود دامن بزند.

- ثبات در مقابل سیالیت: هنجارهای سنتی بر ثبات و پایداری در روابط زناشویی تاکید می‌کنند، در حالی که فضای مجازی می‌تواند به سیالیت و عدم ثبات در روابط دامن بزند.
- واقع‌گرایی در مقابل ظاهرگرایی: هنجارهای سنتی بر واقع‌گرایی و پذیرش یکدیگر تاکید می‌کنند، در حالی که فضای مجازی می‌تواند به ظاهرگرایی و مقایسه خود با دیگران دامن بزند.
- قطعیت در مقابل عدم قطعیت: هنجارهای سنتی بر قطعیت و ثبات در روابط زناشویی تاکید می‌کنند، در حالی که فضای مجازی می‌تواند به عدم قطعیت و اضطراب در مورد آینده دامن بزند.

این تضادها می‌توانند به تنش و درگیری در روابط زناشویی و در نهایت طلاق منجر شوند. البته، لازم به ذکر است که فضای مجازی می‌تواند به طور مثبت نیز بر روابط زناشویی تاثیر بگذارد. به عنوان مثال، فضای مجازی می‌تواند به زوجین کمک کند تا با یکدیگر در تماس باشند، حتی زمانی که از هم دور هستند. همچنین، فضای مجازی می‌تواند به زوجین کمک کند تا اطلاعات و ایده‌ها را به اشتراک بگذارند و از یکدیگر حمایت کنند. با این حال، مطالعات نشان می‌دهند که تاثیرات منفی فضای مجازی بر روابط زناشویی بیشتر از تاثیرات مثبت آن است.

### نظریه کنش متقابل نمادین:

نظریه کنش متقابل نمادین معتقد است که افراد در تعامل با یکدیگر، معانی و مفاهیم را به طور مشترک می‌سازند. فضای مجازی می‌تواند به عنوان یک فضای جدید برای تعاملات اجتماعی عمل کند. در این فضا، افراد می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، اطلاعات و ایده‌ها را به اشتراک بگذارند و هویت خود را بازنمایی کنند (ریتزر، ۱۳۹۱). نحوه تعامل افراد در فضای مجازی می‌تواند بر روابط زناشویی آنها تاثیر بگذارد. بر اساس این نظریه می‌توان گزاره‌های ذیل را مطرح نمود:

- ارتباط: فضای مجازی می‌تواند به زوجین کمک کند تا با یکدیگر در تماس باشند، حتی زمانی که از هم دور هستند. با این حال، فضای مجازی می‌تواند به سوءتفاهم و درگیری بین زوجین نیز منجر شود. به عنوان مثال، ممکن است یکی از زوجین از پیام یا پست دیگری برداشت اشتباهی داشته باشد.
- اشتراک‌گذاری اطلاعات: فضای مجازی می‌تواند به زوجین کمک کند تا اطلاعات و ایده‌ها را به اشتراک بگذارند. با این حال، فضای مجازی می‌تواند به حسادت و ناامنی بین زوجین نیز منجر شود. به عنوان مثال، ممکن است یکی از زوجین از دیدن عکس‌های همسرش با دوستان یا همکارانش حسادت کند.

• بازنمایی هویت: فضای مجازی می‌تواند به افراد کمک کند تا هویت خود را بازنمایی کنند. با این حال، فضای مجازی می‌تواند به دروغ و فریب در روابط زناشویی نیز منجر شود. به عنوان مثال، ممکن است یکی از زوجین در فضای مجازی خود را به گونه‌ای نشان دهد که در واقعیت نیست.

تأثیر فضای مجازی بر روابط زناشویی به نحوه تعامل افراد در این فضا بستگی دارد. اگر زوجین از فضای مجازی به طور صحیح و مسئولانه استفاده کنند، می‌تواند به تقویت روابط آنها کمک کند. با این حال، اگر زوجین از فضای مجازی به طور نادرست استفاده کنند، می‌تواند به تضعیف روابط آنها و در نهایت طلاق منجر شود.

### نظریه های سرمایه اجتماعی

از دید کلمن، تغییر ساختار خانوادگی (تغییر روابط والد- فرزند، تغییر نقش هدایتگرانه والدین، پیوندهای مؤثر و میزان وقت و انرژی والدین در کمک به فرزندان) منجر به تغییر سطوح مختلف سرمایه در دسترس فرزندان می‌شود. در واقع سرمایه اجتماعی از طریق تأثیر متقابل بین منابع ساختاری و کارکردی، درون یک گروه شکل می‌گیرد (کلمن، ۱۹۸۸). برخی از محققان مانند ریم (۲۰۰۵) با بررسی آرای کلمن در خصوص خانواده، منابع سه گانه ساختاری، فرآیندی و عملکردی درون خانواده را شناسایی کرده اند؛

الف- منابع ساختاری به زمینه اجتماعی که تعاملات در آن رخ می‌دهد، اطلاق می‌شود که صورت بندی نوع پیوند اعضا در ارتباط با یکدیگر است و شامل تعداد اعضا، ترکیب متفاوت والدین و غیره است. از نظر کلمن فقدان منابع ساختاری، در صورت فقدان منابع فرآیندی بر منابع عملکردی فرزندان اثر منفی می‌گذارد (دونی، ۱۹۹۵).

ب) منابع فرآیندی شامل تعاملات عمومی خانواده، موضوعات بحث والدین با فرزندان، مطالعه والدین و غیره است. هرچه تعاملات اجتماعی خانواده بیشتر باشد، منابع عملکردی افزایش می‌یابد؛ بر این اساس وجود ساختار مساعد به طور طبیعی به سرمایه اجتماعی منجر نمی‌شود، بلکه تسهیل کننده تعاملات واقعی است؛ برای مثال خانواده دو والدی لزوماً برتر از خانواده تک والدی نیست؛ اما خانواده دو والدی می‌تواند حمایت اجتماعی بیشتری را برای فرزندان فراهم کند، کنترل بیشتری بر آنها داشته باشد و دسترسی آنها را به اطلاعات و منابع بیرون از خانواده بیشتر کند.

1.Rim

2.Downey



ج) منابع عملکردی شامل هر نوع منابعی می شود که دستاورد و برآیند منابع ساختاری و فرآیندی است.

کلمن با تأکید بر سرمایه اجتماعی در میان اعضای خانواده بر این عقیده بود که تغییرات ساختاری در خانواده، فرصت حضور والدین را از آنان می گیرد و از آنجا که زمان، پیش نیاز جامعه پذیری و انتقال سرمایه اجتماعی است، امکان شکل گیری پیوندهای عاطفی پایدار، معقول و اثربخش در بین اعضای خانواده ایجاد نمی شود و روابط از حالت تعادل و تدبیر اجتماعی خارج می شود و به کاهش سرمایه اجتماعی فرزندان در درون و بیرون خانواده منجر می شود؛ بنابراین خیابانی شدن زنان، تابعی از گسیختگی ساختاری خانواده و روابط نامطلوب درون آن است (کلمن، ۱۹۸۸).

بورديو: در نظریه بورديو سرمایه متناسب با میدان آن به شکل سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی ظاهر می شود. سرمایه اجتماعی می تواند ناشی از میدان خانوادگی باشد. به نظر بورديو خانواده می تواند تعیین کننده ترین سرمایه گذاری را برای انتقال و بازتولید سرمایه صورت دهد. وی انتقال و اکتساب سرمایه به فرزندان را از طریق وساطت زمان لازم، امکان پذیر می دانست؛ یعنی زمان فراغت از نیاز اقتصادی که خانواده ها بتوانند وقت آزاد برای انتقال سرمایه به فرزند را فراهم کنند. بر مبنای نظریه بورديو، فقدان سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منجر به ایجاد آسیبهای اجتماعی افراد خانواده می شود (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۵۶).

### نظریه پسامدرنیته:

نظریه پسامدرنیته معتقد است که جامعه مدرن به سمت فردگرایی، سیالیت و عدم قطعیت گرایش پیدا می کند. این گرایشها می توانند بر روابط زناشویی و طلاق تاثیر بگذارد. فضای مجازی می تواند به عنوان ابزاری برای فردگرایی و سیالیت عمل کند و به افراد کمک کند تا هویت خود را به طور مستقل از دیگران بسازند. این امر می تواند به تنش و درگیری در روابط زناشویی و در نهایت طلاق منجر شود (سیدمن، ۱۳۹۸). براین اساس می توان گفت:

- فردگرایی: افراد در جامعه مدرن به طور فزاینده ای به دنبال استقلال و خودآگاهی هستند. این امر می تواند به تضعیف تعهد و مسئولیت در روابط زناشویی منجر شود.
- سیالیت: روابط در جامعه مدرن به طور فزاینده ای سیال و موقتی هستند. این امر می تواند به خیانت و طلاق منجر شود.
- عدم قطعیت: زندگی در جامعه مدرن به طور فزاینده ای با عدم قطعیت و اضطراب همراه است. این امر می تواند به تنش و درگیری در روابط زناشویی منجر شود.

فضای مجازی می‌تواند به عنوان ابزاری برای فردگرایی و سیالیت عمل کند. به عنوان مثال، افراد می‌توانند در فضای مجازی هویت خود را به طور مستقل از دیگران بسازند و با افراد مختلف در سراسر جهان ارتباط برقرار کنند. این امر می‌تواند به تنش و درگیری در روابط زناشویی منجر شود، زیرا ممکن است زوجین از یکدیگر احساس دوری کنند یا احساس کنند که همسرشان به اندازه کافی به آنها توجه نمی‌کند.

## روش پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله، کیفی (تحلیل تماتیک) و جامعه آماری ۲۰ زوج مشهودی در آستانه طلاق بوده اند که به مراکز مشاوره پیش از ازدواج مراجعه کرده اند، روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری هدفمند و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه عمیق بوده است. بدین منظور از طریق مراجعه به مراکز مشاوره خانواده در مشهد، زوج‌هایی که در آستانه طلاق هستند شناسایی شده اند، سپس با زوجین تماس صحبت شده و در مورد مطالعه توضیح داده شد و از آنها برای شرکت در مصاحبه شد. انتخاب نمونه در پژوهش کیفی، بر خلاف پژوهش‌های کمی، تابع یک فرآیند از پیش تعیین شده نیست، بلکه روندی پویا و انعطاف‌پذیر است که در طول تحقیق شکل می‌گیرد. هدف اصلی در این نوع نمونه‌گیری، رسیدن به اشباع نظری است. اشباع نظری به نقطه‌ای در پژوهش کیفی اشاره دارد که در آن دیگر جمع‌آوری داده‌های جدید اطلاعات جدیدی به نظریه در حال شکل‌گیری اضافه نمی‌کند (استراس و کوربین، ۱۳۹۰). به عبارت دیگر، محقق به این نتیجه می‌رسد که داده‌های کافی برای پاسخ به سوالات پژوهش و ارائه یک تبیین جامع از پدیده مورد مطالعه جمع‌آوری شده است. در نمونه‌گیری نظری، محقق به طور همزمان به جمع‌آوری و کدگذاری و تحلیل داده‌های خود می‌پردازد (محمدپور، ۱۳۹۲). این فرآیند به طور پیوسته تکرار می‌شود تا زمانی که به اشباع نظری برسد. در هر مرحله از این فرآیند، محقق بر اساس تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، تصمیم می‌گیرد که چه داده‌های جدیدی را جمع‌آوری کند و از کجا آنها را پیدا کند. مصاحبه‌ها با هر دو زوج به طور جداگانه انجام شد. مصاحبه‌ها در مکانی آرام و خصوصی انجام شد. مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختاریافته انجام شده و تلاش شد تا سوالات به گونه‌ای پرسیده شود که زوجین آزادانه تجربیات و دیدگاه‌های خود را در مورد طلاق به اشتراک بگذارند. مصاحبه‌ها با اجازه مشارکت کنندگان، ضبط و سپس پیاده‌سازی شد. داده‌های مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل تماتیک تجزیه و تحلیل شدند، تم‌ها از طریق خواندن دقیق متن مصاحبه‌ها و شناسایی الگوهای مشترک در پاسخ‌های زوجین استخراج شده و به کدهای مجزا تبدیل و سپس در دسته‌های مختلف طبقه‌بندی

شدند (محمدپور، ۱۳۹۶). گفتنی است از محرمانگی اطلاعات زوجین در تمام مراحل تحقیق محافظت شده و به زوجین اطمینان داده شد که پاسخهای آنها به طور قضاوت نشده و با احترام مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در روش تحلیل تماتیک که بر اساس داده‌های کیفی بنا می‌شود، اهمیت ویژه‌ای به برقراری قابلیت اعتماد وجود دارد. به منظور دستیابی به قابلیت اعتماد یافته‌ها از تحقیق همزمان<sup>۱</sup> استفاده شد (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵). در این روش، همزمان با جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و کدگذاری آنها نیز انجام می‌شود. این امر باعث می‌شود تا پژوهشگر بتواند در صورت لزوم، مسیر جمع‌آوری داده‌ها را بر اساس یافته‌های اولیه تغییر دهد و از اشباع نظری اطمینان حاصل کند.

## یافته‌ها

### توصیف ویژگی‌های زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان در تحقیق

شماره زوج	سن شوهر	سن همسر	تحصیلات شوهر	تحصیلات همسر	شغل شوهر	شغل همسر
1	25	23	لیسانس	لیسانس	مهندس نرم افزار	معلم ابتدایی
2	30	28	فوق لیسانس	فوق لیسانس	پزشک	حسابدار
3	22	21	فوق دیپلم	فوق دیپلم	کارمند فروش	خانه‌دار
4	27	25	لیسانس	لیسانس	برنامه‌نویس	طراح گرافیک
5	35	33	فوق لیسانس	فوق لیسانس	دبیر	دبیر
6	29	27	زیر دیپلم	زیر دیپلم	کارگر ساختمانی	فروشنده
7	24	22	لیسانس	لیسانس	معلم زبان	پرستار
8	35	35	دکتری	دکتری	استاد دانشگاه	آزاد
9	28	26	لیسانس	لیسانس	حسابدار	روانشناس
10	34	29	فوق لیسانس	فوق لیسانس	کارمند	کارمند
11	33	30	لیسانس	لیسانس	مهندس عمران	مترجم
12	25	18	دیپلم	دیپلم	راننده	فروشنده
13	28	24	فوق لیسانس	فوق لیسانس	کادر درمان	هنرمند
14	34	32	لیسانس	لیسانس	برنامه‌نویس	طراح وب
15	30	27	فوق لیسانس	فوق لیسانس	مدرس	مشاور سازمان
16	32	29	لیسانس	لیسانس	فروشنده	خانه‌دار
17	26	24	دیپلم	دیپلم	کارگر کارخانه	فروشنده
18	31	28	فوق لیسانس	فوق لیسانس	مهندس شیعی	معلم
19	29	27	لیسانس	لیسانس	برنامه‌نویس	طراح گرافیک
20	30	30	لیسانس	لیسانس	حسابدار	حسابدار

1. Concurrent Research
2. Theoretical Saturation

در این پژوهش، تلاش شد تا با استفاده از رویکرد کیفی فرایندهای منجر به طلاق ناشی از خیانت در فضای مجازی در شهر مشهد مورد بررسی قرار گیرد. اگرچه که در روش‌های کیفی، به دلیل تعداد محدود مشارکت‌کنندگان، قابلیت تعمیم نتایج به کل جامعه را ندارند. به عبارت دیگر، نتایج این پژوهش فقط در مورد افرادی که در این مطالعه شرکت کرده‌اند، صدق می‌کند و نمی‌توان آنها را به کل جامعه تعمیم داد. با وجود محدودیت‌های ذکر شده، این پژوهش مزایای قابل توجهی نیز دارد. روش تحقیق کیفی، به محققان این امکان را می‌دهد که به عمق تجربیات و دیدگاه‌های افراد نفوذ کنند و اطلاعاتی را جمع‌آوری کنند که با روش‌های تحقیق کمی به دست نمی‌آید.

شماره	مثال از متن	کد اولیه	سطح اول	سطح دوم	سطح سوم
۱	"وقتی فهمیدم شوکه شدم، انگار دنیا روی سرم خراب شد."	شوک و ناباوری	واکنش‌های احساسی	فرآیند فروپاشی اعتماد و رابطه	احساس ناامنی و بی‌ثباتی
۲	"خیلی عصبانی بودم، نمی‌تونستم باور کنم که این کار رو کرده."	خشم و عصبانیت	واکنش‌های احساسی	فرآیند فروپاشی اعتماد و رابطه	احساس خیانت و دلخوری
۳	"احساس می‌کردم شاید من هم در این اتفاق بی‌تقصیر نبودم."	احساس گناه	واکنش‌های احساسی	فرآیند فروپاشی اعتماد و رابطه	کاهش عزت نفس
۴	"دیگه نمی‌تونستم بهش اعتماد کنم، حتی به خودم هم شک داشتم."	کاهش اعتماد	تأثیر بر رابطه	جدایی عاطفی	تردید در خود
۵	"بعد از اون دیگه نمی‌تونستم مثل قبل با هم حرف بزنیم."	مشکلات ارتباطی	تأثیر بر رابطه	جدایی عاطفی	از دست دادن صمیمیت
۶	"احساس می‌کردم تو خونه غریبه‌ام"	احساس تنهایی	تأثیر بر رابطه	جدایی عاطفی	کاهش حمایت اجتماعی
۷	"آینده‌ام رو تاریک می‌بینم"	ترس از آینده	تصمیم‌گیری برای طلاق	تردید و ابهام	نگرانی در مورد آینده
۸	"هر کاری کردم که این رابطه درست بشه"	تلاش برای حفظ رابطه	تصمیم‌گیری برای طلاق	کشمکش درونی	امید به بهبود رابطه
۹	"می‌ترسم تنها بمونم"	ترس از طلاق	تصمیم‌گیری برای طلاق	تردید و ابهام	نگرانی از پیامدهای طلاق
۱۰	"انگار همه چیز بیهوده بود"	احساس شکست	تصمیم‌گیری برای طلاق	کاهش عزت نفس	ناتوانی در حفظ رابطه
۱۱	"احساس می‌کنم یه بخش بزرگی از خودم رو از دست دادم."	احساس فقدان	تأثیر بر خود	تغییرات هویتی	کاهش احساس معنا
۱۲	"مدام به گذشته فکر می‌کنم و نمی‌تونم ازش دل بکنم."	دلبستگی به گذشته	فرآیند سوگ	مشکل در پذیرش واقعیت	احساس پشیمانی

۱۳	"از همه آدم‌ها دلخورم، حتی خودم".	خشم عمومی	واکنش‌های احساسی	اختلال در روابط اجتماعی	بی‌اعتمادی به دیگران
۱۴	"حوصله هیچ کاری رو ندارم، فقط می‌خوام تنها باشم".	افسردگی	تأثیر بر سلامت روان	کاهش انگیزه	انزوا
۱۵	"می‌ترسم نتونم دوباره به کسی اعتماد کنم".	ترس از تکرار	تصمیم‌گیری برای آینده	اختلال در روابط آینده	محافظه‌کاری
۱۶	"حس می‌کنم دیگه هیچکس منو درک نمی‌کنه".	احساس عدم درک	تأثیر بر روابط اجتماعی	انزوای اجتماعی	جستجوی تأیید
۱۷	"مدام خودم رو سرزنش می‌کنم".	سرزنش خود	واکنش‌های احساسی	کاهش عزت نفس	احساس گناهکاری
۱۸	"از خودم متنفر شدم".	خود نفرتی	واکنش‌های احساسی	کاهش عزت نفس	احساس بی‌ارزشی
۱۹	"حس می‌کنم دیگه هیچ هدفی تو زندگی ندارم".	از دست دادن هدف	تغییرات هویتی	احساس پوچی	بی‌انگیزگی
۲۰	"می‌خوام هر طور شده این درد رو فراموش کنم".	فرار از درد	سازگاری با شرایط جدید	استفاده از مکانیزم‌های دفاعی	اعتیاد به مواد
۲۱	"مدام به این فکر می‌کنم که کجا اشتباه کردم".	تحلیل انتقادی	فرآیند سوگ	جستجوی معنا	رشد شخصی
۲۲	"می‌خوام از این تجربه درس بگیرم و قوی‌تر بشم".	رشد شخصی	فرآیند سوگ	تغییر دیدگاه	افزایش تاب‌آوری
۲۳	"احساس می‌کنم به یک دوست نیاز دارم که بهم کمک کنه".	جستجوی حمایت اجتماعی	سازگاری با شرایط جدید	ایجاد شبکه حمایتی	بهبود سلامت روان
۲۴	"می‌خوام از این فرصت استفاده کنم و خودم رو بهتر بشناسم".	خودشناسی	تغییرات هویتی	رشد شخصی	افزایش آگاهی از خود
۲۵	"می‌خوام به آینده امیدوار باشم".	امیدواری به آینده	تصمیم‌گیری برای آینده	ایجاد اهداف جدید	برنامه‌ریزی برای زندگی آینده
۲۶	"می‌خوام از این تجربه برای کمک به دیگران استفاده کنم".	معنا بخشی به تجربه	رشد شخصی	کمک به دیگران	افزایش رضایت از زندگی
۲۷	"می‌خوام این رابطه رو ببخشم و رها کنم".	بخشش	فرآیند سوگ	پذیرش واقعیت	رسیدن به آرامش
۲۸	"می‌خوام از این تجربه برای قوی‌تر شدن رابطه بعدی استفاده کنم".	یادگیری از تجربه	تصمیم‌گیری برای آینده	بهبود مهارت‌های ارتباطی	ایجاد روابط سالم‌تر
۲۹	"می‌خوام خودم رو ببیزم با همه خوبی‌ها و بدی‌ها".	پذیرش خود	تغییرات هویتی	افزایش عزت نفس	بهبود روابط با خود
۳۰	"می‌خوام به زندگی ادامه بدم و خوشحال باشم".	جستجوی خوشبختی	تصمیم‌گیری برای آینده	ایجاد اهداف جدید	پیدا کردن معنا در زندگی

با بررسی دقیق جدول ارائه شده، می‌توانیم کدهای سطح سوم را به صورت زیر دسته بندی کنیم:

### دسته بندی بر اساس تأثیر بر خود

- احساسات منفی: احساس ناامنی، احساس خیانت، کاهش عزت نفس، تردید در خود، احساس تنهایی، ترس از آینده، احساس شکست، احساس فقدان، احساس پشیمانی، خشم عمومی، افسردگی، ترس از تکرار، احساس عدم درک، سرزنش خود، خود نفرتی، احساس پوچی، فرار از درد، تحلیل انتقادی.
- احساسات مثبت: امید به بهبود رابطه، امیدواری به آینده، رشد شخصی، جستجوی حمایت اجتماعی، خودشناسی، افزایش آگاهی از خود، بخشش، یادگیری از تجربه، پذیرش خود، جستجوی خوشبختی.
- تغییرات در هویت و دیدگاه: تغییرات هویتی، کاهش احساس معنا، تغییر دیدگاه، افزایش تاب‌آوری.
- تغییرات در روابط: جدایی عاطفی، از دست دادن صمیمیت، کاهش حمایت اجتماعی، مشکلات ارتباطی، اختلال در روابط اجتماعی، اختلال در روابط آینده.

### دسته بندی بر اساس فرآیند مقابله

- فرآیند سوگ: دلبستگی به گذشته، مشکل در پذیرش واقعیت، جستجوی معنا، رشد شخصی.
- فرآیند سازگاری: تلاش برای حفظ رابطه، تصمیم‌گیری برای طلاق، کشمکش درونی، سازگاری با شرایط جدید، ایجاد شبکه حمایتی، ایجاد اهداف جدید، برنامه‌ریزی برای زندگی آینده.
- مکانیسم‌های دفاعی: فرار از درد، استفاده از مکانیسم‌های دفاعی.

### دسته بندی بر اساس حوزه‌های زندگی

- روابط بین فردی: احساس خیانت، کاهش اعتماد، مشکلات ارتباطی، احساس تنهایی، اختلال در روابط اجتماعی.
- سلامت روان: احساس افسردگی، اضطراب، کاهش انگیزه، کاهش عزت نفس، احساس پوچی.
- هویت و معنا: تغییرات هویتی، کاهش احساس معنا، جستجوی معنا.
- آینده‌نگری: ترس از آینده، امیدواری به آینده، تصمیم‌گیری برای آینده، برنامه‌ریزی برای زندگی آینده.

### دسته بندی بر اساس نیازهای روانشناختی

- نیاز به امنیت: احساس ناامنی، ترس از طلاق، نیاز به حمایت اجتماعی.
- نیاز به تعلق: احساس تنهایی، اختلال در روابط اجتماعی، جستجوی تأیید.

- نیاز به عزت نفس: کاهش عزت نفس، خود نفرتی، پذیرش خود.
- نیاز به خودشکوفایی: رشد شخصی، خودشناسی، جستجوی معنا.

### بحث و نتیجه گیری

با توجه به اهمیت بنیادین خانواده در ساختار جامعه و افزایش نگران‌کننده نرخ طلاق در سال‌های اخیر، پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر فروپاشی خانواده، به ویژه نقش فضای مجازی در این پدیده، انجام شده است. این پژوهش با رویکردی کیفی، به دنبال شناسایی فرایندها، دلایل و پیامدهای خیانت در فضای مجازی و تأثیر آن بر روابط زناشویی است.

خانواده به عنوان هسته اولیه جامعه، نقش مهمی در تأمین نیازهای عاطفی و اجتماعی افراد ایفا می‌کند. با این حال، در عصر حاضر، خانواده با چالش‌های متعددی از جمله افزایش نرخ طلاق مواجه است. عوامل متعددی مانند تغییرات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانشناختی در بروز این پدیده نقش دارند. در این میان، گسترش فضای مجازی و بروز خیانت‌های آنلاین به عنوان یکی از عوامل مهم در فروپاشی خانواده‌ها مطرح شده است.

خیانت در فضای مجازی، به عنوان هرگونه ارتباط عاطفی یا جنسی خارج از چارچوب ازدواج که در فضای مجازی رخ دهد، می‌تواند به شدت به بنیان خانواده آسیب رساند. این پدیده پیچیده، دلایل روانشناختی، اجتماعی و فرهنگی متعددی دارد که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته شده است. تحلیل عمیق تجربیات افراد درگیر در این پدیده نشان می‌دهد که خیانت در فضای مجازی علاوه بر آسیب‌های فردی، می‌تواند به مشکلات جدی در روابط زناشویی و فروپاشی خانواده منجر شود.

طلاق به عنوان نتیجه نهایی بسیاری از مشکلات زناشویی، تأثیرات گسترده‌ای بر ابعاد مختلف زندگی افراد دارد. از جمله این تأثیرات می‌توان به مشکلات روانشناختی همچون افسردگی و اضطراب، اختلال در روابط اجتماعی، آسیب به هویت فردی و مشکلات مالی اشاره کرد. همچنین، طلاق می‌تواند تأثیر مخربی بر کودکان داشته باشد و به مشکلات رفتاری و عاطفی در آن‌ها منجر شود.

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که فرایند طلاق ناشی از خیانت در فضای مجازی، شامل سه مرحله اصلی سوگ، سازگاری و استفاده از مکانیسم‌های دفاعی است. در مرحله سوگ، افراد احساسات منفی مانند غم، خشم و اندوه را تجربه می‌کنند. در مرحله سازگاری، افراد تلاش می‌کنند با شرایط جدید وفق پیدا کنند و به زندگی عادی خود بازگردند. در نهایت، بسیاری از افراد برای مقابله با این شرایط از مکانیسم‌های دفاعی مانند انکار، سرکوب و توجیه استفاده می‌کنند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فضای مجازی با ایجاد امکان برقراری ارتباطات ناشناس و مقایسه مداوم با دیگران، نقش مهمی در تسهیل و تشدید فرایند طلاق ایفا می‌کند. برای کاهش اثرات منفی طلاق ناشی از فضای مجازی، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی برای افزایش آگاهی افراد در مورد خطرات استفاده نادرست از فضای مجازی، تقویت مهارت‌های ارتباطی زوجین و ارائه خدمات مشاوره‌ای به خانواده‌ها در معرض خطر طلاق، اجرا شود.

طلاق پدیده‌ای پیچیده است که عوامل متعددی در بروز آن نقش دارند. فضای مجازی به عنوان یک عامل جدید و مؤثر، می‌تواند فرایند طلاق را تسریع کرده و پیامدهای آن را تشدید کند. درک عمیق از این پدیده و ارائه راهکارهای مناسب برای پیشگیری و کاهش آسیب‌های ناشی از آن، امری ضروری است.

تحلیل داده‌ها نشان داد که فرایند طلاق ناشی از استفاده از فضای مجازی، به طور کلی شامل سه مرحله اصلی است: سوگ، سازگاری و استفاده از مکانیسم‌های دفاعی. هر یک از این مراحل، با طیف وسیعی از واکنش‌های احساسی، شناختی و رفتاری همراه است.

۱. فرآیند سوگ: بسیاری از شرکت‌کنندگان در مطالعه حاضر، علائم سوگ را تجربه کرده‌اند. دلبستگی به گذشته رابطه، مشکل در پذیرش واقعیت پایان رابطه، جستجوی معنایی برای آنچه اتفاق افتاده و تلاش برای رشد شخصی از جمله این علائم بودند. این یافته‌ها با مطالعات قبلی در مورد سوگ ناشی از دست دادن یک رابطه مهم همخوانی دارد.

۲. فرآیند سازگاری: پس از مرحله سوگ، شرکت‌کنندگان وارد مرحله سازگاری شده‌اند. در این مرحله، تلاش برای حفظ رابطه، تصمیم‌گیری در مورد طلاق، کشمکش‌های درونی و سازگاری با شرایط جدید از جمله مهم‌ترین چالش‌ها بودند. ایجاد شبکه حمایتی، تعیین اهداف جدید و برنامه‌ریزی برای آینده نیز به عنوان بخشی از فرآیند سازگاری مطرح شد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که افراد پس از طلاق، به دنبال ایجاد تعادل جدید در زندگی خود هستند.

۳. مکانیسم‌های دفاعی: در مواجهه با درد و رنج ناشی از طلاق، بسیاری از شرکت‌کنندگان به استفاده از مکانیسم‌های دفاعی روی آورده‌اند. فرار از واقعیت و استفاده از مکانیسم‌های دفاعی مانند انکار، سرکوب و توجیه، راهکارهایی بودند که افراد برای مقابله با احساسات منفی خود به کار می‌بردند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فضای مجازی به عنوان یک عامل تسهیل‌کننده، نقش مهمی در فرایند طلاق ایفا می‌کند. ویژگی‌های تعاملی این فضا، مانند امکان ایجاد ارتباطات ناشناس و مقایسه مداوم با زندگی دیگران، می‌تواند به ایجاد احساس انزوا، کاهش رضایت از رابطه و



در نهایت به طلاق منجر شود. علاوه بر این، استفاده بیش از حد از فضای مجازی می‌تواند به جایگزینی ارتباطات رو در رو و کاهش صمیمیت در روابط زوجین منجر شود. این امر، اهمیت آموزش مهارت‌های ارتباطی موثر و تقویت روابط زوجین در دنیای دیجیتال را بیش از پیش آشکار می‌سازد. در مجموع، می‌توان گفت که طلاق یک تجربه پیچیده و چالش‌برانگیز است که بر ابعاد مختلف زندگی افراد تأثیر می‌گذارد. با این حال، با استفاده از راهکارهای مناسب و حمایت اجتماعی، می‌توان از عواقب منفی طلاق کاست و به زندگی جدیدی دست یافت.

پیشنهاد می‌شود برای کاهش اثرات منفی طلاق، برنامه‌های حمایتی برای افراد طلاق‌گرفته طراحی شود. این برنامه‌ها می‌توانند شامل خدمات مشاوره‌ای، گروه‌های حمایتی، آموزش مهارت‌های زندگی و حمایت مالی باشد. همچنین، آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض به زوجها می‌تواند به کاهش احتمال طلاق و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها کمک کند.

در نهایت، باید توجه داشت که هر فرد تجربه طلاق را به شیوه‌ای منحصر به فرد تجربه می‌کند. عوامل مختلفی مانند سن، جنسیت، وضعیت اقتصادی، حمایت اجتماعی و شخصیت فردی در نحوه‌ی واکنش افراد به طلاق نقش دارند. بنابراین، برای ارائه خدمات حمایتی موثر به افراد طلاق‌گرفته، باید به تفاوت‌های فردی توجه شود.

با توجه به یافته‌های این تحقیق، می‌توان به اهمیت انجام مطالعات بیشتر در زمینه طلاق پی برد. این مطالعات می‌توانند به شناخت بهتر عوامل موثر بر طلاق، ارائه خدمات حمایتی موثرتر و کاهش اثرات منفی طلاق بر افراد و جامعه کمک کنند.

## منابع:

- محسنی تیریزی، علیرضا (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری (زمینه و کاربرد)، تهران: اطلاعات.
- کوربین، جولیتام. و. استراس، آنسلم (۱۳۹۰). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش: (مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی)، تهران: جامعه‌شناسان.
- حضرتی صومعه، زهرا و رحیمی، محمد (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی رابطه رسانه‌های جدید و شکاف بین نسلی در بین جوانان ۲۰-۲۸ ساله و والدین شان، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۴(۳۰)، ۱۴۳-۱۲۳.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۱). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- ذکائی، محمد سعید (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی جوانان ایران، تهران: آگه.
- ابوت، پاملا و والاس، کلر (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی زنان، مترجم منیژه عراقی، تهران: نشرنی.
- سیدمن، استیون (۱۳۹۸). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، مترجم هادی جلیلی، تهران: نشرنی.
- رحمانی فضلی، عبدالرضا (۱۳۹۵). ارائه گزارش دستگاه‌های اجرایی به رهبری، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۵، گفت و گو وزیر کشور با ایسنا.
- رنجبر بهرام، شرافتی پور جعفر (۱۳۹۵). تاثیر از هم گسیختگی خانوادگی بر خیابانی شدن زنان، انتظام اجتماعی، ۱۸(۱)، ۵۸-۳۵.
- تاجبخش، کیان و همکاران (۱۳۸۴). اعتماد، دموکراسی و توسعه. تهران: نشر شیرازه.
- Clayton, A.; Oakley, P.; Taylor, J. (2000). Civil society organizations and service provision. *Civil Society and Social Movements, Programme Paper No. 2*. Geneva: UNRISD.
- Ream, R. (2005). Toward understanding how social capital mediates the impact of mobility on Mexican-American achievement. *Social Forces* 84(1), 201-224
- Downey, D.B. (1995). When bigger is not better: family size, parental resources, and children's educational performance. *American Sociological Review*, 60, 746-761
- Coleman, J. S. (1988), Social Capital in the Creation of Human-Capital, *American Journal of Sociology*, 94, S95-S120